

اعتماد اجتماعی در اندیشه امام موسی صدر^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۱۶

کاوس روحی برندق^۲

کاظم قاضی‌زاده^۳

انسبیه السادات اسکاف^۴

چکیده

اعتماد اجتماعی از جمله مفاهیمی است که در روابط و تعاملات انسانی نقشی حیاتی دارد و همچون روان‌کننده‌ای چرخ‌های پیوندهای اجتماعی را راحت‌تر به حرکت درمی‌آورد. براین‌مبنا، می‌توان گفت اعتماد تسهیل‌کننده تعاملات اجتماعی است. پژوهش حاضر با هدف دستیابی به مفهوم اعتماد اجتماعی در منظومه فکری امام موسی صدر شکل گرفته است. در همین راستا، به مطالعه آثار او، که دستاورد تجربه زیست او در یک جامعه متشکل از مذاهب و فرقه‌های گوناگون است، پرداخته و به این نتیجه رسیده است که اعتماد اجتماعی در اندیشه امام موسی صدر با مؤلفه «کرامت انسان» تولید، در نهاد «خانواده» آموخته و درونی شده و با مؤلفه‌های «اندیشه دینی»، «اخلاق» و «ولایت» در جامعه گسترش پیدا می‌کند. در این میان، «عدالت» نیز با کارکرد خود جامعه را قابل اعتماد می‌کند و با پشتیبانی و تقویت دو مؤلفه «وطن‌دوستی» و «گفت‌وگو» اعتماد در جامعه تثبیت می‌شود. در باور صدر، با وجود اعتماد اجتماعی جامعه‌ای ساخته خواهد شد با کرامت، والا و محکم که در آن لیاقت‌ها و استعدادها رشد کرده و فساد و ریا ناپود می‌شود.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، امام موسی صدر، کرامت انسان، خانواده، اندیشه دینی.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان: «بررسی تحلیلی مبانی قرآنی روایی آراء اجتماعی امام موسی صدر» است.

۲. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول): k.roohi@modares.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه تربیت مدرس: k.ghazizadeh@modares.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس: e.eskaf@modares.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

اعتماد اجتماعی از روزگار دیرین تا زمانهٔ پسون، یکی از موضوعات مهم حیات بشری بوده و با گذشت زمان بر اهمیت آن افزوده شده است. امروزه ویژگی‌های خاص جامعهٔ انسانی در پایان قرن بیستم و تنگناها و چالش‌های دورهٔ تجدید، توجه به اعتماد اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی را به واقعیتی جدی بدل کرده است. به نظر پیوتر زتومکا^۱، نویسنده و پژوهشگر نام‌آور لهستانی، جوامع معاصر با ویژگی‌هایی چون آینده‌گرایی، شدت وابستگی متقابل، گستردگی و تنوع جوامع، تزیاید نقش‌ها و تمایز اجتماعی، بسط نظام انتخاب، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، ناشناختگی و تقویت گمنامی و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی، باعث برجستگی مسئلهٔ اعتماد شده‌اند (ازکیا، ۱۳۸۵: ۲۸۴). به عبارت دیگر، افراد درگیر در روابط اجتماعی در جوامع مدرن، با موقعیت‌های مبهم و پیچیده‌ای مواجه هستند و از نتایج اعمال و کنش‌های کنترل‌ناپذیر دیگران آگاهی ندارند. در این شرایط، اعتماد به افراد اجازه می‌دهد تا خود را با موقعیت‌های پیچیده هماهنگ کرده و آسیب‌پذیری خود را در مقابل دیگران افزایش دهند و نقش مهمی را در تعاملات و کنش‌های گروهی ایفا کنند. اعتماد به منزلهٔ سازوکاری اجتماعی با کارکردهای متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روان‌شناسی، رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های او را تسهیل می‌کند و رابطهٔ او با دیگران و جهان را به رابطه‌ای خلاق و شکوفا تبدیل می‌سازد تا فرد بتواند آرامش، امنیت و آزادی و استقلال خود را در کنار دیگران تجربه کند (ادریسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰). در جوامع متکثر نیز، اعتماد با ایجاد وضعیت مناسب، تعاملات اجتماعی گروه‌ها و فرق آن جامعه را تسهیل کرده و به تقویت تعاملات اجتماعی منتهی خواهد شد. کشور لبنان با وجود مساحت کم از جمله جوامعی متکثری است که ادیان و مذاهب و نژادهای مختلفی را در درون خود جای داده است. وجود چنین تنوع و ناهمگونی فرقه‌ها و اقلیت‌های قومی و مذهبی مشکلات بسیاری را برای صلح و ثبات مردم و هم‌چنین توزیع قدرت به‌وجود آورده است. در اواخر سال ۱۹۵۹ میلادی، درحالی‌که این کشور با تحولات سیاسی و اجتماعی عمیق خود در معرض چالشی جدی قرار گرفته بود امام موسی صدر به توصیهٔ جمعی از مراجع وقت به سرزمین لبنان هجرت کرد. او ابتدا در طایفهٔ شیعه روابط آسیب دیده و اعتماد

1. Sztompka

را بازسازی و سپس ارتباطات اجتماعی این جامعه را با دیگر جوامع تقویت کرد و با بهره‌گیری از شیوه گفتگو و تبادل نظر با صاحبان ادیان و مذاهب اعتماد آنها را به خود جلب نمود. او اعتقاد داشت که در یک جامعه متکثر، رهبران هر طائفه و فرقه‌ای حرکت به سوی تحقق اهداف راهبردی و والای مورد نظر خویش را باید چنان برنامه‌ریزی و عملیاتی کنند که هم‌زمان با هر گام پیشروی، اعتماد و باور نیز در دل گروه‌های رقیب جاری شود. صدر با افکار و عملکرد خود اعتماد را بین ادیان و مذاهب و نژادهای جامعه متکثر لبنان احیاء کرد و تجربه موفق بر خاسته از متن سنت اسلامی را برای تقویت اعتماد اجتماعی ارائه نمود.^۱ بنابراین چه گفته شد، موضوع مورد بررسی این مقاله اعتماد اجتماعی در اندیشه امام موسی صدر می‌باشد.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

اعتماد احساس روابط اجتماعی است و رابطه مستقیم با میزان روابط اجتماعی دارد. بدین‌صورت که هرچه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی به جامعه بیشتر باشند، به همان میزان، روابط اجتماعی، از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است (قاسمی و صادقی، ۱۳۸۸: ۱۹۹). در شرایط اتفاقی و نامعین امروزی، که زندگی اجتماعی به تهدیدهای گسترده و جدیدی دچار شده، واکاوی اندیشه‌های مصلح و متفکری که اهتمام ویژه‌ای در بازسازی اعتماد متقابل بین طایفه شیعه و جدیت در تقویت ارتباطات اجتماعی این گروه با دیگر مذاهب و ادیان داشت ضروری به‌نظر می‌رسد. بر همین اساس، اراده اصلی پژوهش حاضر تحقیق و بررسی مبانی فکری صدر در خصوص اعتماد اجتماعی و مؤلفه‌های آن است. مطالعه تجربه مدیریتی و رهبری وی در مجموعه دوازده جلدی کتاب *گام‌به‌گام با امام*، که حاصل طرح‌های خلاقانه و فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر صدر در لبنان بوده، نشان می‌دهد که اعتماد مهم‌ترین امکان اجتماعی او بوده (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۰۵) و با مؤلفه‌هایی برگرفته از بنیان‌های معرفتی اسلام در پایه‌گذاری جامعه متکثر لبنان نقش اساسی ایفا کرده است. اما با توجه به نکات مذکور این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش‌هاست:

۱. مطالب این بخش با استناد به کتاب *یادنامه امام موسی صدر* و سایت مؤسسه امام موسی صدر به نگارش در آمده است.

۱. اعتماد اجتماعی در اندیشه امام موسی صدر بر چه مبنایی استوار است؟
۲. امام موسی صدر برای تقویت این پدیده اجتماعی از چه مؤلفه‌هایی بهره برده است؟
۳. مؤلفه‌های اعتمادساز منظور چگونه در تقویت اعتماد اجتماعی نقش ایفا می‌کنند؟

پیشینه پژوهش

درباره اعتماد اجتماعی و مؤلفه‌های آن در آراء و آثار اندیشمندان مقالات محدودی به رشته تحریر درآمده است از جمله اسکندری و موسوی (۱۳۹۰) ابعاد مفهوم اعتماد را در اندیشه شهید مطهری بررسی نموده و کاربرد آن را در مدیریت سازمان مورد مطالعه قرار داده‌اند. علامی و رکابدار (۱۳۹۷) «ماهیت و جایگاه انواع اعتماد اجتماعی در گرشاسب‌نامه اسدی طوسی» را بررسی کرده‌اند. سهراب‌نژاد (۱۳۹۷) بازتاب اعتماد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در گلستان پژوهش کرده است. اما تاکنون هیچ مقاله و پژوهشی مفهوم اعتماد اجتماعی در اندیشه امام موسی صدر را مورد پژوهش قرار نداده و اثر مستقلی این موضوع را بررسی نکرده است. باین‌حال، در این قسمت به مهم‌ترین آثار و زمینه‌های علمی موجود که ارتباط بیشتری با تحقیق حاضر دارد پرداخته می‌شود. وفایی مغانی و شمالی (۱۳۹۲) «مبانی معرفتی امام موسی صدر در تقریب مسلمانان و مسیحیان» را تبیین و بازنشاسایی کرده‌اند. احمدی (۱۳۸۷) در مقاله خود «مفهوم و شاخص‌های کنش ولایی در تجربه جماعت‌سازی امام موسی صدر» را تبیین کرده است. عبدلی و همکاران (۱۳۹۴) «مبانی نظری و روش‌های عملی امام موسی صدر در ایجاد وحدت ملی» را تبیین نموده‌اند. طیرانی (۱۳۸۹) «نقش امام موسی صدر در لبنان و ارتقاء جایگاه شیعیان» را بررسی کرده و فرخی و دیده‌خانی (۱۳۹۷) «الگوی تبلیغی امام موسی صدر در تعامل با شیعیان لبنان» را مورد مطالعه قرار داده است. اخگری (۱۳۸۷) نیز در مقاله «امام موسی صدر و وحدت اسلامی» اقدامات ارزشمند وی جهت برقراری وحدت ملی را مورد مطالعه قرار داده است. و در آخر، فراتی و طاهری (۱۳۸۷) نیز در اثر خود «نقش امام موسی صدر در ارتقای جایگاه شیعیان لبنان» را بررسی کرده‌اند.

مبانی نظری

اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی از جمله پدیده‌های اجتماعی است که در روابط و تعاملات انسانی از سطح خرد (خانواده) تا سطح کلان (جامعه) و حتی در ساخت‌هایی فراتر از آن (جهانی) نقشی حیاتی دارد. پدیده اعتماد اجتماعی تسهیل‌کننده روابط انسانی است و آن را می‌توان احساس فرد یا افراد نسبت به یک چیز تلقی کرد. اگر این اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد، سرمایه ارزشمندی تلقی می‌شود؛ یعنی همان مفهومی که آن را سرمایه اجتماعی نام نهاده‌اند (ملکی و امیدوار، ۱۳۹۴: ۱۳۴). فوکویاما^۱ اعتماد را جلوه‌ای بنیادی سرمایه اجتماعی می‌داند؛ «سرمایه اجتماعی، توانایی است که از شیوع اعتماد در یک جامعه با اجزای خاصی از آن ظهور می‌کند». اوسلانر^۲، عالم علوم سیاسی، در تعریف خود از فوکویاما پیروی کرده است. او می‌گوید: «سرمایه اجتماعی در اساس، بازتاب نظامی از ارزش‌ها و به خصوص اعتماد اجتماعی است» (فیلد، ۱۳۸۵: ۹۴). جان فیلد^۳ اعتماد را محصول سرمایه اجتماعی می‌داند (همان: ۲۰۰). اینگلهارت^۴ با دیدگاهی فراتر، سرمایه اجتماعی را همان اعتماد تلقی کرده است (ملکی و امیدوار، ۱۳۹۴: ۱۳۵). درباره مفهوم «اعتماد» تعاریف زیادی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده اما «اعتماد اجتماعی» از جمله مفاهیمی است که در منابع علمی تعاریف زیادی برای آن نمی‌توان پیدا نمود تاجایی که در برخی موارد با «اعتماد» به یک معنا به کار رفته و در مواردی تنها کارکردهای آن تبیین شده است. درحالی‌که این مفهوم از مجموع ابعاد «اعتماد» شکل گرفته و ساخته می‌شود و تعریفی مخصوص به خود را طلب می‌کند. در جدول شماره ۱ به یافته‌های پژوهشگران این حوزه درباره تعریف اعتماد اجتماعی اشاره شده است.

جدول شماره ۱ تعاریف اعتماد اجتماعی

تعاریف اعتماد اجتماعی	
چلبی	«حسن ظنی» جدای از هرگونه تعلقات گروهی به تمامی کنشگران در روابط اجتماعی (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۲).

1. Fukuyama
2. Uslaner
3. John Field
4. Inglehart

ادامه جدول شماره ۱ تعاریف اعتماد اجتماعی

تعاریف اعتماد اجتماعی	
انتظارها و تعهدات اکتسابی و تأییدشده‌ای که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی دارند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۹ و ۱۳۸۶: ۲۸۴).	ازکیا و غفاری
درجه‌ای از شناخت و اطمینان نسبت به یک فرد، نهاد، ساختار یا حتی یک امر انتزاعی که زمینه‌ساز رابطه متقابل اجتماعی آسان‌تر، سریع‌تر، بی‌پیرایه‌تر و هدفمندتر است (تاجبخش، ۱۳۸۲: ۲۱۲).	تاجبخش
اعتماد دولت و مردم به یکدیگر (رنانی، ۱۳۸۲: ۲۴).	رنانی
اطمینان به قابلیت یک شخص یا سیستم که بیانگر پاکدامنی، ایمان به مردم، و آرامش است (عبدالرحمانی، ۱۳۸۴: ۱۲۵).	عبدالرحمانی
روان‌کننده حرکت اقتصاد بازار (زارعی، ۱۳۸۶: ۷۴).	آدام اسمیت ^۱
مجموعه‌ای از انتظارات که در فرایند اجتماعی شدن یاد گرفته شده و افراد آن انتظارات را نسبت به افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی که در جامعه هستند، دارند (افشانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۵).	افشانی و همکاران
پذیرش خطر مواجهه و ارتباط با دیگران است، با این تصور که آنها چنان‌که انتظار می‌رود رفتار خواهند کرد یا اینکه عمداً در پی آزار و اذیت ما نخواهند بود (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۰).	شارع‌پور و همکاران
پایین بودن به هنجارها و ارزش‌هایی که مورد قبول آحاد جامعه بوده و باعث رشد فرهنگی و بالندگی اقتصادی می‌شود (خبیرانلاین، ۱۳۹۰).	ابهری
هنجاری غیررسمی که با احترام و رعایت مناسبات بین افراد جامعه به وجود می‌آید (ادریسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۰).	ادریسی و همکاران

در جمع‌بندی تعاریف فوق و با توجه به محتوای پژوهش حاضر، نگارنده تعریف چلبی از اعتماد اجتماعی را برگزیده و مبنا قرار داده است.

1. Adam Smith

روش پژوهش

پژوهش حاضر با مطالعه مجموعه کتاب *گام به گام با امام* مفهوم اعتماد اجتماعی در اندیشه امام موسی صدر را بررسی و مؤلفه‌های مرتبط با آن را استنباط کرده است. این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای و در استناد داده‌ها از روش اسنادی پیروی کرده و در تجزیه و تحلیل مطالب از روش تحلیل محتوایی از نوع توصیفی تحلیلی بهره گرفته است. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به محتوای سؤالات دوم و سوم، امکان پاسخگویی به صورت مجزا وجود نداشته و به ناچار تحت عنوان یک سرفصل به این دو سؤال پاسخ داده شده است.

یافته‌های پژوهش

الف) مبانی اعتماد اجتماعی در اندیشه امام موسی صدر

برای دستیابی به پاسخ سؤال اول این پژوهش، مبانی اعتماد اجتماعی در اندیشه امام صدر، نخست باید دیدگاه و تعریف وی در خصوص جامعه، به عنوان محمل و زمینه اعتماد اجتماعی، مورد بررسی قرار گیرد. از دیدگاه صدر، جامعه پیوندها^۱ و روابطی است سرچشمه گرفته از واقعیت انسان، انسانی که اساس جامعه و غایت آن است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۹۶) و در آفرینش، نیازمندی‌ها، تفکر و همه جنبه‌های حیات خویش، موجودی اجتماعی است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۳: ۳۶۳). تعامل و ارتباط متقابل، بنیاد حیات این جامعه است که در مقابل جسم افراد به عنوان پیکر جامعه، «روح جامعه» تلقی شده است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ۴۳۲). در صورت بندی دیگری، صدر خانواده را محتوی و ماده جامعه، روابط اجتماعی را صورت و شکل آن و وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی را هم قوام آن برمی‌شمرد (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۳۳۶، ج ۱۱: ۱۲۷، ج ۱۱، ۴۶۰-۴۵۹). در این دیدگاه، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات برای ایجاد روابط، وجود اصل اعتماد متقابل است که در نظر صدر، شرط بنیادین تشکیل امت و جامعه است و جز با احترام متقابل و تفاهم حاصل نمی‌شود. در این بینش، اعتماد و احترام حاصل پاسداشت اندیشه و تکریم گذشته و اعتقادات دیگری (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۳۵) و دوری از تعصبات فرقه‌ای است و زیستن در جامعه بدون اعتماد به زندگی حیوانات وحشی در

۱. مقصود امام موسی صدر از این پیوندها همان رفتار و کردار انسان‌هاست (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۱).

صحرا تشبیه شده است که کسی به دیگری اعتماد ندارد (همان، ج ۱۱: ۲۴۸). درحقیقت، در رهیافت صدر، زندگی اجتماعی انسان بسته به احترام و اعتماد مردم نسبت به او و جایگاه اجتماعی اوست و آنچه برای انسان قدرت می‌آورد عزت و احترام و اعتماد مردم به اوست (همان: ۴۷). اعتماد و اطمینانی که همه وجود و فایده او برای جامعه و مشارکت در زندگی عمومی است و بی آن انسان از نظر اجتماعی مرده و به مقتولی اجتماعی تبدیل می‌شود که هیچ ارزشی در جامعه ندارد و جامعه این فرد را از دست داده است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۰: ۶۳-۶۲، ج ۱۱: ۴۰۶). در چنین دیدگاهی، نقطه عزیمت «اعتماد اجتماعی» پدیده «دوستی» است و نشان از دل‌بستگی شخصی، همکاری، یکپارچگی، احترام متقابل و احساس منفعت مشترک دارد.

ب) تحلیل مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی در اندیشه امام موسی صدر

در این بخش برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش ضمن برشمردن مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی در اندیشه امام صدر، هر یک به صورت مجزا بررسی و سؤال سوم نیز پاسخ داده خواهد شد. گفته شد که اساس و بنیاد اعتماد اجتماعی در نظر صدر بر «احترام متقابل» و «تفاهم» استوار است افزون بر اینکه دو ویژگی یاد شده با مؤلفه‌های هشت‌گانه، کرامت انسان، اندیشه دینی، اخلاق، ولایت، وطن‌دوستی، خانواده، عدالت و گفت‌وگو پشتیبانی و تقویت شده که یک‌یک این عوامل بررسی و تبیین می‌گردد.

۱. کرامت انسان اساس تولید اعتماد اجتماعی

کرامت انسانی یکی از برجسته‌ترین گزاره‌ها در زندگی بشر است که از دیرباز مورد توجه جامعه بشری قرار داشته و به لحاظ تاریخی از موضوعات اصلی و اولیه در ادیان الهی و اسناد تاریخی و میراث باقیمانده از گذشتگان، از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد است (افخمی روحانی، ۱۳۹۳: ۶). در اندیشه صدر، کرامت انسان کانون و اساس تولید اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهد چراکه باور دارد انسان صاحب کرامت همچنان‌که به خود احترام می‌گذارد به دیگران نیز احترام می‌گذارد، در دیگران تأثیر گذاشته و از آنان تأثیر می‌پذیرد و همکاری می‌کند و با چنین تعاملاتی است که جامعه ایجاد می‌شود و اعتماد اجتماعی شکل می‌پذیرد. از سوی دیگر و بنابر کرامت ذاتی، انسان فارغ از اعتقادات و مذاهب قابل احترام است. مسئله‌ای که صدر با اذعان به آن، انسانیت را وجود

واحدی می‌بیند که اجزاء آن با هم در تعامل بوده و میل به وحدت دارند و هر تلاشی زیر سایه نژادپرستی، فرقه‌گرایی، اختلاف فرهنگی و حتی تحت عنوان مقدس دین و وطن خطرناک بوده و تفرقه و بی‌احترامی و در نتیجه بی‌اعتمادی را به دنبال خواهد داشت (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۷۶، ج ۱۱: ۳۸۷). این نگرش از طریق هنجارهای دستوری همانند برقراری تعاملات اجتماعی مبتنی بر اعتماد، صداقت و احترام متقابل و از بین بردن اختلافات و خصومت‌ها بین فرقه‌ها و فرهنگ‌های مختلف، به تقویت حس همبستگی و تداوم آن کمک می‌کند.

۲. اثربخشی خانواده در اعتماد اجتماعی

خانواده یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نهادهای اجتماعی موجود در جوامع بشری است. جایی که اولین ارتباطات انسان در آن تجربه می‌شود و احترام، عشق، اعتماد و حمایت به‌عنوان مؤلفه‌های دوام هر ارتباطی در آن آموخته می‌شود. به گفته صاحب‌نظران، فضای تعاملاتی خانواده و ارتباط قوی بین اعضا در ساخت‌یابی هویت فرزندان مؤثر بوده و عدم نفوذ خانواده و ارتباط قوی بین آنها زمینه بی‌اعتمادی و فقدان انسجام را به دنبال خواهد داشت چراکه هنجارهایی چون اعتماد در خانواده درونی می‌شود (سفیری و شایسته، ۱۳۹۴: ۱۵) و در ارتباط فرد با سایر گروه‌ها، مؤسسات و نهادهای اجتماعی تقویت و گسترش می‌یابد. در نگرش صدر خانواده به‌عنوان جامعه انسانی زنده از تحولات اجتماعی تأثیرپذیر و بر آن نیز تأثیرگذار است تا جایی که کیفیت و وضعیت خانواده در جامعه انعکاس پیدا می‌کند. به گفته او، در اسلام بقای روابط خانوادگی از طریق عطای مطلق و بدون ارزش‌گذاری، تضمین و محفوظ نگه داشته می‌شود (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۳: ۹۲ و ۹۴). به همین دلیل خانواده ازسویی، تربیت و نگهداری از فرزند را بر والدین واجب کرده و ازسوی دیگر، احسان و احترام به والدین را بر فرزند فریضه دانسته است. در اندیشه صدر، خانواده با «پرورش بی‌قید و شرط فرزندان» اعتماد اجتماعی را نهادینه می‌کند.

پرورش بی‌قید و شرط فرزندان: در نظر صدر مادر پنجره‌رو به دنیای کودک است که بر پایه شخصیت او «بیش راهبردی» و «عواطف اصیل» و مفاهیم بنیادینی همچون اعتماد برای کودک شکل می‌گیرد؛ زیرا کودک در لحظات نخست زندگی، مادر را به‌عنوان پایگاهی امن در مقابل

خود می‌یابد. او مادر را وجودی می‌شناسد که همیشه در دسترس بوده و محبتش همچون محبت بی‌انتهای خداوندی از عاطفه‌ای عمیق و گسست‌ناپذیر برخوردار است و به نیازهای کودک مناسب‌ترین پاسخ را می‌دهد (همان، ج ۵: ۲۱۱). مادری که جسم و آرامش و همه‌چیز خود را فدای تربیت کودک می‌کند (همان، ج ۲: ۳۴۶؛ ج ۳: ۱۵۲). براین اساس، نسل جدید مجذوب این تصویر جذاب از زندگی، وجودی مملو از محبت و احترام می‌شود و ارتباط و اعتمادی مستحکم و از سر وفاداری و احساس مسئولیت با نسل گذشته برقرار می‌کند و علی‌رغم اختلاف در باورها و اندیشه‌ها، در پرتو عواطف و محبت با یکدیگر اعتماد متقابل پیدا خواهند کرد (همان، ج ۳: ۹۳، ج ۲: ۳۴۷). یافته‌های محققان نیز نشان داده که مراقبت عاشقانه و گرم مادر منجر به شکل‌گیری عقاید مثبت برای کودک می‌گردد به نحوی که خود را لایق و دوست‌داشتنی و مراقبان خود را قابل اعتماد، ارزشمند، مراقب و پاسخگو می‌بیند (تبعه امامی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۰۴ و ۳۰۷). از سوی دیگر، در نظر صدر یکی از عوامل آسیب‌رسان به روابط اعتمادآمیز والدین و فرزندان نیازهای رو به رشد زندگی و همچنین خودخواهی و خودپرستی انسان در جامعه پیشرفته است. کودک در چنین شرایطی، به‌جای سرپرستی مستمر و کامل والدین، خود را تحت نظر مؤسسات یا اشخاصی در اوقات محدود و معین و با هزینه‌هایی مشخص می‌بیند زیرا پدر برای تأمین مخارج ساعات کمتری در خانه حضور دارد و مادر هم در فکر استقلال مادی از وظیفه خود شانه خالی کرده و جایگاه خویش را با مقداری پول واگذار می‌کند و این معنایی جز تجاری شدن «مادری» ندارد (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۳: ۹۲؛ ج ۵: ۲۱۱). در این موقعیت، اعتماد کودک به والدین به شدت آسیب می‌بیند (همان: ج ۲: ۳۴۷) زیرا پیوند او با مادر به امری نسبی و محدود و قابل جانشینی بدل شده است. فرزند بدون پیوند عاطفی و عقلانی با نسل گذشته، هیچ احترام و اعتمادی برای والدین و دستاوردهای متعلق به آنها، همچون قانون قائل نبوده و در برابر آن احساس مسئولیت نمی‌کند چراکه گذشته را دوست ندارد و با آن قانع نمی‌شود (همان، ج ۵: ۲۱۰-۲۱۱). صدر حرکات خشونت‌آمیز نسل رو به رشد عصر ما را از همین زاویه تفسیر شدنی می‌داند و بر این نکته تأکید دارد نسلی که از حس مادری بهره‌ای اندک داشته یا اینکه حس مادری برای او خریداری شده باشد، با نسل‌های بعد نیز به همین شکل رفتار خواهد کرد (همان، ج ۳: ۱۶۲). براین اساس، می‌توان گفت مشکلات رفتاری و رفتارهای ضد اجتماعی

اینچنین، توانایی کسب منفعت از روابط افراد در جامعه را به تعاملی سطحی، بی‌روح و محدود تبدیل کرده و ضعف و کاهش اعتماد اجتماعی را به همراه خواهد داشت.

۳. اثربخشی دین در اعتماد اجتماعی

یکی از کارکردهای مهم دین در طول تاریخ، ایجاد اعتماد و اطمینان اجتماعی است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که افراد مرتبط با آموزه‌های دینی هم مورد اعتماد هستند و هم اعتماد بیشتری به دیگران دارند. در توضیح چرایی این امر می‌توان گفت که افراد باورمند به ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی رفتار پیش‌بینی پذیرتری دارند؛ چرا که با رفتار در چارچوب قواعدی خاص قابلیت اعتماد افراد بیشتر شده و مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تری صورت می‌گیرد (شریفی، ۱۳۸۶: ۶۲ و ۱۱۲). به اعتقاد صدر، دین به مفهوم حقیقی آن پیروان خود را از دیگران منزوی نمی‌کند بلکه آنان را به فعالیت‌های اجتماعی و خدمات عمومی فرامی‌خواند و تقرب به خدا در منطق دین از راه خدمت به خلق میسر است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۰۵ و ۱۲۸). در اندیشه او، دین با دو ساحت «ایمان به خدا» و «باورداشت عالم غیب» به تثبیت و تقویت اعتماد اجتماعی می‌انجامد.

- ایمان به خدای یگانه: در نظر صدر، ایمان به خالق واحد با القای این باور که همه انسان‌ها به اراده الهی از یک پدر آفریده شده و همانند دندان‌های شانه با یکدیگر برابرند و هیچ‌کس بر دیگری امتیاز ندارد، اعتماد به دیگران را آسان می‌کند. از سوی دیگر، خدای حکیم به تمامی انسان‌ها از روح و صفات خود عطا کرده، در نتیجه ذات و سرشت همه به خودی خود پاک است (همان، ج ۱۱: ۴۱۳). این وحدت ذاتی و پاکی سرشت انسان‌ها، بی‌اعتمادی به دیگران را دور و با تقویت همکاری به استواری اعتماد در جامعه می‌انجامد.

- باورداشت عالم غیب: صدر در پاسخ به این پرسش که خواسته‌هایی بی‌نهایت انسان چگونه با امکانات متناهی این جهان قابل جمع است؟ می‌گوید وقتی انسان آگاه شود که در ورای این دنیا آخرتی وجود دارد گسترده‌تر: «وَجَنَّةٌ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است» (آل‌عمران: ۱۳۳) و آنچه هست رأس هرم و اول خط است، در این صورت به واقعیت بعدی نامتناهی داده است و این نگرش می‌تواند آرمان بی‌نهایت

انسان را محقق کند و این تنها از رهگذر غیب‌باوری امکان‌پذیر است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ۴۱۱-۴۱۲). او یادآور این نکته می‌شود که در قرآن کریم نیز دعوت به دنیا و آخرت به صورت توأمان آمده و به هر تلاش و اقدامی مانند جهاد رنگ غیبی داده شده است. یعنی دنیا و آخرت دو روی یک حقیقت واحد، جسم و روح دو بعد وجود انسان و زمین و آسمان دو تکه از یک پیکره و یک جهان هستند و عمیقاً در هم تنیده شده‌اند (همان، ج ۱: ۲۵۷ - ۲۵۵؛ ج ۱۱: ۱۴-۱۳ و ۱۶-۱۸). براین اساس، غیب‌باوری با نامتناهی کردن واقعیات و امکانات بشری در برابر زندگی تنگ این دنیایی انسان، افقی فراتر از همه نیروها و قابلیت‌ها را تا بی‌نهایت می‌گشاید و با خلق وسعت نگرش انسان‌ها به سوی بی‌نهایت، ظرفیت تعامل میان افراد را بیشتر کرده و اعتماد اجتماعی افزون‌تری تولید می‌کند.

۴. اثربخشی اخلاق در اعتماد اجتماعی

ساحت اخلاق به‌عنوان یک ضرورت در زندگی اجتماعی پیش از هرچیز هماهنگ‌کننده روابط انسان‌ها تلقی می‌شود. دورکیم اعتماد را زاییده رعایت اخلاقیات در جامعه می‌داند. در نظر اسلانر، اعتماد انتظارات ما از اخلاق است و این اخلاقیات باید مشخص و ثابت باشند تا در افراد درونی شوند و آنها را ملزم به عمل کردن کنند (ادریسی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹). اخلاق در نظر صدر بر بنیان ارزش‌های انسانی، راه‌های وصول و حفظ آنها استوار بوده و کانون و آرمان والای آموزه‌های دین شمرده شده است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج: ۴۷). او با تأکید بر مبارزه جدی اخلاق با عواملی مانند ترس، سنگدلی، کبر و غرور که مانع پیوند فرد با دیگری می‌شود، آن را تنظیم‌کننده تعامل بین انسان‌ها و گروه‌ها و عامل مؤثری در شکل‌گیری و پایه‌گذاری جوامع معرفی می‌کند (همان، ج ۳: ۱۸۴ و ۱۸۳). او در تبیین اهمیت و جایگاه اخلاق در اعتماد با اشاره به آیه: «مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آنرا ضبط می‌کند]» (ق: ۱۸) ما را متوجه مسئولیت سخنان خود کرده و هشدار می‌دهد که مراقب گفته‌های خود باشیم. هر سخنی مسئولیت‌هایی به دنبال دارد. چراکه بعضی از آنها پشت جامعه را می‌شکند و اعتماد نیروهای جامعه را از بین می‌برد (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۱:

۴۰۶). در اندیشه صدر قلمرو اخلاق با دو عامل «روابط فردی» و «اخوت» در تقویت اعتماد اجتماعی نقش آفرینی دارد.

- روابط فردی: صدر با اشاره به بخشی از آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، روابط فردی را مورد توجه قرار می‌دهد. آنجا که خدا پیامبرش خطاب قرا می‌دهد که: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأُنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران: ۱۵۹). او این اصل را در مورد ارتباط هر انسان متخصص و کارشناس با مردم جامعه صادق می‌داند و باورمند است که اخلاق ناروای هر فرد اعتماد میان او و دیگران را سست و همکاری را دشوار می‌کند و باعث حذف یکی از عناصر جامعه می‌شود (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ۴۰۴-۴۰۵). او در تفسیر آیه «أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» (حجرات: ۱۲) می‌گوید: غیبت فرد را به تدریج کشته و او را در جامعه بی‌آبرو و اعتماد جامعه را به او از بین می‌برد. بدین ترتیب او به مقتولی اجتماعی تبدیل می‌شود که هیچ ارزشی ندارد چراکه حیات فرد در جامعه به آبرو و کرامت اوست (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ۴۰۶) و اعتماد و اطمینان همه داشته‌های فرد برای جامعه و مشارکت او در زندگی عمومی است (همان، ج ۱۰: ۶۲).

- اخوت: یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث اعتماد در جامعه و در نهایت افزایش اعتماد اجتماعی می‌گردد معذور دانستن افراد است، زیرا به فرد و گروه اطمینان می‌دهد که حتی در صورت اشتباه باز هم می‌توانند مورد اطمینان قرار گیرند و با انجام اشتباه از جامعه طرد نخواهند شد. صدر با توجه به آیه: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، درحقیقت مؤمنان با هم برادرند» (حجرات: ۱۰) انسان‌ها را با هم برادر و از یک سرچشمه می‌داند، سرچشمه فعل و آفرینش خدا که فراتر از ارتباط میان برادران نسبی است. حال اگر این سرشت مشابه مجهز به ایمان شود، برادری ناشی از آن نیز بیشتر خواهد بود زیرا مبنای این برادری وحدت در تحرک، سرآغاز، پایان و وحدت در هماهنگی است: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ۴۳۱). در نظر صدر، انسان‌ها در سازمان بزرگ اخوت یکدیگر را معذور می‌دارند به این معنا که لغزش هر انسانی به معنای خارج شدن از دایره همکاری نیست بلکه او

نیز همچون دیگران در معرض خطاست و می‌توان او را بخشید و همچنان به او اعتماد داشت (همان: ۴۳۱-۴۳۰).

۵. اثربخشی ولایت در اعتماد اجتماعی

اعتماد مؤثرترین عامل در ایجاد همدلی و مشارکت عمومی، روابط متقابل اجتماعی مفید و اتصال مردم و حکومت به یکدیگر است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که پیروانی که به رهبرشان اعتماد دارند عملکرد بهتری دارند، رفتارهای شهروندی بیشتری انجام می‌دهند و تعهد سازمانی و رضایت شغلی آنها هم بالاتر است (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۶). در اسلام نیز یکی از مهم‌ترین روش‌های ایجاد اعتماد ایجاد رابطه میان دو نهاد اصلی امام و امت به وسیله ولایت است. رابطه‌ای که صدر از آن به‌عنوان اصلی‌ترین داشته اجتماعی خود یاد کرده و از عنایات الهی برشمرده است (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ۱۳۳). دو اصل «اعتماد امت به رهبر» و «ارتباط رهبر با امت» بازوهای اجرایی پیکره ولایت در باور صدر را شکل داده و در استحکام اعتماد اجتماعی نقش شایانی ایفا می‌کنند.

- اعتماد امت به رهبر: در دیدگاه صدر ولایت جایگاهی است واجد توانایی تشکیل حکومت و جامعه صالح که با دو عامل شکل می‌گیرد: «قدرت بخشی و اعتماد نهاد امت به رهبر» و «حرکت امت به همراه ولی و اطاعت از او» (همان، ج ۱۱: ۱۲۸ و ۱۳۳، ج ۲: ۳۹۹). او تلاش برای برپایی حکومت صالح را از واجبات اولیه مسلمانان می‌داند زیرا به‌خوبی دریافته که اعتماد اجتماعی جز در جامعه صالح ایجاد نمی‌شود؛ حکومت صالحی که مکمل خط ایمانی انسان و مهم‌ترین عامل برپایی جامعه صالح و شایسته‌ای است که انسان‌ها به شیوه‌ای سازگار با روح و جان خود در آن زندگی می‌کنند و رشد می‌یابند (همان، ج ۲: ۴۰۱، ج ۱۰: ۳۶۲) او حدیث «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَكَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ» (کافی، ۱۴۰۷، ق، ج ۲: ۱۸) را دلیلی بر پایه‌ای بودن اصل ولایت دانسته چراکه در سایه آن عبادات و تعالیم اقتصادی و سیاسی محفوظ خواهد ماند (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۶۹).

- ارتباط رهبر با امت: یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی ارتباط میان رهبر و اعضای جامعه است. در جامعه‌ای که میان این دو نهاد پیوند مستقیم و رویارو وجود نداشته باشد اعتماد اجتماعی شکل نخواهد گرفت و در نتیجه همواره نوعی ترس و احساس ناامنی بین افراد و رهبر به وجود می‌آید که در حالت کلی، مانع تداوم و تقویت رابطه و باعث کاهش همکاری و گسترش تعاملات در ابعاد مختلف جامعه می‌گردد. در نظر صدر، نقطه آغاز انحراف و بی‌اعتمادی به رهبر جامعه، دوری و اختفاء او از مردم است. در این حالت، رهبر خود را تافته‌ای جدا بافته‌ای دیده و چیزی جز چاپلوسی و ستایش نمی‌خواهد و آنچنان تغییر می‌کند که خود را در جایگاه پیامبر می‌بیند (همان، ج ۱: ۲۵۰، ج ۵: ۱۹۸). بنابر اندیشه صدر وجود رابطه قلبی و اعتماد عمیق میان دو نهاد امام و امت باعث توانمندی جامعه اسلامی شده و ولایت با جهت‌دهی به این نیروی عظیمی رابطه‌های مستحکم‌تری برقرار و از اعتماد اجتماعی پشتیبانی خواهد کرد.

۶. اثربخشی عدالت در اعتماد اجتماعی

از میان عوامل مرتبط با اعتماد باید از عدالت یاد کرد که امنیت انسان با مسائل مربوط به آن پیوند نزدیکی دارد. اگر در جامعه‌ای عدالت نباشد، بعید است که در آن صلح، ریشه‌کنی فقر، حمایت از کار، رشد آزاد هویت و دانش تحقق یابد. در جوامع دارای نابرابری بالا علاقه افراد نسبت به هم کم بوده و نتیجه آن کاهش اعتماد بین افراد است (زارع شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳). در نگرش صدر آنچه برای بقای وطن، وحدت امت و اعتماد ضرورت دارد عدالت به معنای ایجاد «فرصت مساوی برای همه» (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۵: ۱۲۸، ۱۳۸، ۱۴۰) و «مشارکت دیگران در همه داشته‌های فردی» است (همان، ج ۱۲: ۳۵۳-۳۵۳) و فقدان آن عامل زوال جامعه به‌شمار می‌رود. او وظیفه خود را همسو با اهداف امام حسین^(ع) در جهت پی‌گیری حقوق همه انسان‌ها و عدالت و کرامت برای همه محرومان و آبادی همه مناطق عقب‌مانده از هر گروه و حزبی معرفی می‌کند (همان، ج ۴: ۱۴۷). در اندیشه صدر، عدالت نیز با مؤلفه‌هایی، نهادهایی جامعه را برای اقشار مختلف قابل اعتماد و اتکاء کرده تا افراد در تعاملات اجتماعی و اقتصادی با خطر کمتری روبه‌رو شده و به یکدیگر اعتماد بیشتری داشته باشند.

- مشارکت دیگران در داشته‌های فردی: صدر در مبحث «تفکیک‌ناپذیری احکام اسلام» با توجه به آیه: «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (بقره: ۳) به دو نکته مهم اشاره می‌کند؛ نخست اینکه انفاق در ژرفای احکام جای دارد و اسلام نمی‌پذیرد آدمی بدون شراکت دیگران چیزی برای خود داشته باشد و دیگر اینکه انفاق امری فراگیر و شامل همه داشته‌های انسان مانند تندرستی، نیروی جسمانی، تجربه، فرهنگ، هوش و حتی جوانی است «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ» (بقره: ۲۱۹) و محدود در مال و اموال نیست (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۳: ۵۲). برهمین‌اساس، او خمس و زکات را صدقه‌ای از جانب اغنیا برای ارتقا زندگی فقرا و نزدیکی سطح زندگی انسان‌ها در جامعه می‌داند، مالیاتی که تفاوت‌های عظیم و مفسد و دشمنی‌هایی را که باعث از بین رفتن آرامش و امنیت و وحدت جامعه است از بین می‌برد و روح همیاری و توازن و عدالت را در مردمان جاری می‌کند و اعتماد و پیوندهای انسانی را مستحکم می‌کند (همان، ج ۱۲: ۳۵۵-۳۵۳).

- ایجاد فرصت مساوی برای همه: صدر با استناد به آیه: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و در راه خدا انفاق کنید، و خود را با دست خود به هلاکت می‌فکنید» (بقره: ۱۹۵) می‌گوید: «اگر در راه خدا انفاق کردید، اگر به نیازمندان کمک کردید و فرصت‌ها را برای محرومان فراهم کردید، سود آن به جامعه خودتان بازمی‌گردد و خود را از هلاکت نجات داده‌اید زیرا انفاق نکردن موجب پیدایش تنش و بیماری و عقده و چالش در میان گروه‌های رنج کشیده می‌شود و جامعه را به خطر می‌اندازد». در باور صدر، فقدان عدالت در جامعه باعث بروز ناهنجاری‌های روانی و تضادهای اجتماعی شده و پایداری کشور و اعتماد اجتماعی را به خطر انداخته و به بحران و انفجار در جامعه می‌انجامد (ضاهر، ۱۳۹۶، ج ۵: ۱۱۹؛ ج ۱۱: ۷۶).

۷. اثربخشی گفت‌وگو در اعتماد اجتماعی

انسان‌ها، ملت‌ها، ادیان و فرهنگ‌ها برای فهم یکدیگر و رسیدن به تعامل مثبت و هم‌اندیشی نیازمند گفت‌وگو هستند؛ گفت‌وگویی مؤثر و مفید که به اعتماد و کشف موازین و ضوابط مشترک بین آنها بیانجامد. در اندیشه صدر، گفت‌وگو به معنای برابری میان طرف‌ها به منظور

دستیابی به راهی برای حل مشکلات و در اسلام برای برقراری صلح است (همان، ج ۳: ۲۰۷). او شرط توفیق در گفت‌وگو را ایجاد فضایی مناسب با تقویت احترام و محبت و اجتناب از تردیدافکنی و اتهام‌زنی می‌داند (همان، ج ۲: ۱۲۲-۱۲۱) و روش گفت‌وگوی خود را اینچنین تبیین می‌کند: در این شیوه به انسان احترام می‌گذاریم، دیدگاه، عواطف و عمل او را محترم می‌شماریم، خود را قیم او نمی‌دانیم و از طرف او سخن نمی‌گوییم (همان، ج ۳: ۲۰۷). در نظر صدر، گفت‌وگو با دو کارکرد «شناخت بیشتر دیگران» و همچنین «بهره‌مندی از دانش و تجربه‌های دیگران» در اعتماد اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.

- شناخت بیشتر دیگران: در نظر صدر، گفت‌وگو، به‌عنوان شریان و عامل اصلی حیات جامعه، فضایی را فراهم می‌کند تا فرقه‌ها از اسارت پیش‌داوری‌ها، اعتقادات و تعصبات فکری یا عاطفی خود و نیز از بردگی فکری در ارتباط با اندیشه‌های دیگر و متابعت از آنها آزاد شده و با مفاهمه و روشن‌گری و تقویت اعتماد را به‌دنبال داشته باشند (همان: ۳۵۵). او گفت‌وگو را اساس تقریب و همبستگی مذاهب می‌داند؛ تعامل و گفت‌وگویی که نه تنها به‌معنای نادیده گرفتن اصول دین نیست بلکه عین وفاداری به متن دین است (همان، ج ۲: ۱۰۰، ۱۱۳-۱۱۴؛ ج ۶: ۱۹۴). صدر اختلاف در جزئیات شعائر و احکام اسلامی را عامل تفرقه می‌داند و معتقد است با یکپارچه‌سازی احکام دینی، باور، اعتماد کامل و محبت صادقانه در میان مسلمانان جاری می‌شود (همان، ج ۳: ۳۴۲-۳۴۱). براین‌اساس، گفت‌وگو به‌عنوان شریان و عامل اصلی حیات یک جامعه فضایی را فراهم می‌کند تا فرقه‌ها، مذاهب، ادیان و همه گروه‌ها با خلق معنای نو به‌صورت مشترک، اعتماد اجتماعی را در جامعه ارتقا دهند.

- بهره‌مندی از دانش و تجربه‌های دیگران: صدر وجود فرق مختلف را به‌معنای سرچشمه تبادل تجارب، دستاوردها و مطالعاتی متنوعی می‌داند که همکاری و تعامل انسان‌ها را با یکدیگر تسهیل کرده و اعتماد درون جامعه را بی‌هیچ خطری تقویت می‌کنند و ثروت تمدنی و فرهنگی گسترده‌ای برای خدمت به کشور و فراهم می‌آورند (همان، ج ۱: ۶۵). صدر در گفتاری به جوانان توصیه می‌کند علمای دینی که شما را به قطع ارتباط و گفت‌وگو با دیگران دعوت می‌کنند طرد کنید و از آن دین دست بکشید، زیرا امکان ندارد دینی مردم را به هم‌گرایی و ارتباط با دیگران دعوت نکند (همان، ج ۲: ۴۲۶)؛ چراکه برای وحدت ملی و

نزدیکی پیروان اسلام راهی جز گفت‌وگو و تفاهم وجود ندارد (همان: ۱۰۵). در باور صدر، گفت‌وگو امکانی را خلق می‌کند که فرقه‌ها از اسارت پیش‌داوری‌ها، اعتقادات و تعصبات فکری یا عاطفی خود و نیز از بردگی فکری در ارتباط با اندیشه‌های دیگر و متابعت از آنها آزاد شده و با مفاهمه و روشنگری، تعاملات اجتماعی را افزایش داده و تقویت اعتماد اجتماعی را به دنبال داشته باشند.

۸. اثربخشی وطن‌دوستی در اعتماد اجتماعی

وطن یک وحدت اجتماعی ضروری برای حیات، رفاه و صیانت از هستی و اثباتگر تمدن انسان است. مکانی برای حفظ مال، ناموس، عزت و شرف انسان که دلدادگی نسبت به آن یکی از نشانه‌های خردمندان است؛ پیوندی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که عشق به آن در نگاه صدر بخشی از ایمان انسان را تشکیل می‌دهد (همان، ج ۲: ۳۴۸). انسانی که ارجمندترین و شریف‌ترین سرمایه آن است و وطن را شکل داده است (همان، ج ۵: ۱۱۷). در نظر صدر، دو مبنای «همراهی در آرمان و آلام یکدیگر» و «احترام به دیگران» تعلق و تعهد خاطر به وطن و هویت ملی را تقویت و زمینه برقراری روابطی مبتنی بر اعتماد را میان هم‌وطنان فراهم می‌کند.

- همراهی در آرمان و آلام یکدیگر: وطن در نظر صدر بی‌احساس درد و رنج و محبت به دیگران شکل نخواهد گرفت (همان، ج ۲: ۲۳۰). چراکه وطن مشارکت حقیقی در دردها و آرمان‌های یکدیگر است (همان: ۱۹۵) و پیش از جغرافیا و تاریخ جایی در قلوب و ضمائر ملتی با احساس و عمل مشترک است (همان: ۲۳۰). در نگرش او زمانی وطن شکل کاملی به خود می‌گیرد که ملت با وحدت، اختلاف را در کوره‌ای ذوب کرده و منسجم و یگانه به مرحله‌ای از اعتماد و همکاری برسند که افراد با هم دادوستد داشته باشند (همان: ۲۰۳).

- احترام به دیگران: در آراء اجتماعی صدر، حب‌وطن جز بر مبنای اعتماد به فرقه‌ها، مذاهب و ادیان گوناگون شکل نمی‌پذیرد و اعتماد متقابل جز با احترام متقابل حاصل نمی‌شود (همان، ج ۲: ۱۲۶). دوستی و اعتماد پاک و صادقانه در گروه‌ها با حفظ باورها اصل کانونی بقای کشور و نشانه‌ای از وطن‌دوستی شمرده شده (همان: ۲۲۴) و رواج تعصب از هر نوعی تضعیف‌کننده روح میهن‌دوستی و موجب بی‌اعتمادی در جامعه می‌شود. درحقیقت، در نظر

صدر وحدت ملی، وحدت نیت‌ها، دل‌ها و درنهایت، وحدت اهداف و هنجارهای انسانی شهروندان است و دستیابی به آن جز با نزدیکی دل‌ها و همبستگی اراده‌ها و احترام و اعتماد به موجودیت، اندیشه، گذشته و اعتقادات دیگری میسر نخواهد شد (همان، ج ۲: ۱۳۵). در این صورت میهن نجات‌یافته و کرامت انسان حفظ شده و زیرساخت‌های جدید جامعه آرمانی پی‌ریزی می‌شود (همان، ج ۶: ۱۹۴-۱۹۵). در باور صدر، هویت ملی همانند نرم-افزاری عمل می‌کند که برای رسیدن به وحدت اهداف و هنجارهای انسانی شهروندان، از میان اختلافات درون وطن ساخته و پرداخته شده است و با فراهم آوردن با فراهم آوردن شرایط برای احترام، وفاداری و تعهد، حس همکاری و اعتماد را در بین افراد اجتماع گسترش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

اعتماد مهم‌ترین امکان اجتماعی حضور ۲۰ ساله امام موسی صدر در کشور متکثر لبنان بوده و نقش مؤثری در بازسازی روابط متقابل بین طایفه شیعه و تقویت ارتباطات اجتماعی این جامعه با دیگر فرقه‌ها ایفا کرده است. این پژوهش با تعمق در آثار و اندیشه صدر دریافته است که مفهوم اعتماد اجتماعی بر پایه دو مبنای اساسی «احترام متقابل» و «تفاهم» استوار بوده و هشت مؤلفه کرامت انسان، اندیشه دینی، اخلاق، ولایت، وطن‌دوستی، خانواده، عدالت و گفت‌وگو این دو اصل را پشتیبانی و تقویت می‌کنند. در نظر صدر، انسان با کرامت با احترام به خود و دیگران زمینه همکاری و تعامل را برقرار کرده و اساس تولید اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهد و خانواده با کارکردهای خود آن را در افراد نهادینه و درونی می‌کند. اندیشه‌دینی نیز با ایجاد وسعت نگرش انسان‌ها به سوی بی‌نهایت، ظرفیت تعامل میان افراد را بیشتر کرده و به تثبیت و تقویت اعتماد اجتماعی منتهی می‌گردد. در این میان، قلمرو اخلاق با تنظیم روابط انسان‌ها و از میان برداشتن موانع تعامل، گستره اعتماد را وسیع‌تر می‌کند و ولایت با زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت و جامعه شایسته در استحکام اعتماد اجتماعی نقش شایانی ایفا می‌کند. در باور صدر، مؤلفه عدالت با نهادها و فرصت‌هایی خود جامعه را قابل اعتماد کرده و تعلق و تعهد خاطر به وطن و هویت ملی زمینه برقراری روابطی مبتنی بر اعتماد را میان هم‌وطنان فراهم می‌کند.

گفت‌وگو مورد نظر صدر نیز با فراهم کردن شناخت دیگری و استفاده از داشته‌های دیگران اعتماد اجتماعی را بی‌هیچ خطری پشتیبانی می‌کند. در رهیافت صدر برخلاف دیدگاه برگزیده تحقیق، تعریف چلبی، نقطه جوشش اعتماد اجتماعی امری درونی بوده و بر احساس کرامت هر انسان استوار است تا جایی که حسن‌ظن به خود پایه حسن‌ظن به دیگر کنشگران فردی و اجتماعی دانسته شده است، ضمن اینکه سازوکار «دین» با تأثیر بر این حسن‌ظن و ایجاد نگرشی به وسعت بی‌نهایت در انسان‌ها، ظرفیت تعامل میان افراد را بیشتر کرده و اعتماد اجتماعی افزون‌تری تولید می‌کند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابهری، مجید (۱۳۹۰)، آسیب دیدن اعتماد اجتماعی از شنیدن خبر اختلاس، ۲۲ شهریور، خبرآنلاین.
- احمدی، مجتبی (۱۳۸۷)، «تبیین مفهوم و شاخص‌های کنش ولایی در تجربه جماعت‌سازی امام موسی صدر»، دین و ارتباطات، شماره ۳۴: ۷۱-۳۹.
- اخگری، محمدجواد (۱۳۸۷)، «امام موسی صدر و وحدت اسلامی»، اندیشه تقریب، شماره ۱۷: ۹۳-۱۰۸.
- ادیسی، افسانه و همکاران (۱۳۹۰)، «بررسی و تبیین اعتماد اجتماعی از رویکرد نظریه ساخت‌یابی گیدنز»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۱: ۳۲-۹.
- ادیسی، افسانه و همکاران (۱۳۹۱)، «اعتماد اجتماعی، رهاورد هنجارهای دینی و ارزش‌های اخلاقی»، جامعه پژوهی فرهنگی، شماره اول: ۲۳-۱.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشرنی.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷: ۳۲-۳.
- اسکندری مجتبی و موسوی سیدابوالفضل (۱۳۹۰)، «بررسی ابعاد مفهوم اعتماد در اندیشه شهید مطهری و کاربرد آن در مدیریت سازمان‌ها»، توسعه مدیریت و منابع انسانی و پشتیبانی، شماره ۲۱: ۷۳-۱۰۱.

- افخمی روحانی، حسین و همکاران (۱۳۹۳)، «تدوین شاخص‌های کرامت انسانی در سازمان»، مدیریت در دانشگاه اسلامی، شماره ۷: ۲۰-۳.
- افشانی، علیرضا و همکاران (۱۳۸۸)، «اعتماد اجتماعی در شهر یزد»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳۶: ۷۴-۵۷.
- امیر کافی، مهدی (۱۳۸۰)، «اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن»، فصلنامه نمایه پژوهشی، شماره ۱۸: ۳۲-۲۵.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- تبعه امامی، شیرین و دیگران (۱۳۹۰)، «رابطه بین دلبستگی ایمن کودک و عوامل رفتار مادرانه»، خانواده‌پژوهی، شماره ۲۷: ۲۹۳-۳۱۰.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر و همکاران (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی رابطه عدالت اجتماعی با اعتماد اجتماعی»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۶: ۸۶-۷۱.
- ردادی، محسن (۱۳۸۹)، منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی در اسلام، تهران: دانشگاه امام صادق.
- رنانی، محسن (۱۳۸۲)، «سرمایه اجتماعی شرط لازم برای توسعه»، اندیشه صادق، شماره ۱۱ و ۱۲: ۲۹-۲۰.
- زارعی، ایوب (۱۳۸۶)، «اعتماد و نهادهای مدنی به مثابه کارگزاران سرمایه اجتماعی»، پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۱۶: ۹۰-۶۷.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶)، نظریه جامعه‌شناختی اعتماد، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: شیرازه.
- سفیری، خدیجه و شایسته، سولماز (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با سلامت اجتماعی جوانان»، فصلنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۳: ۱۷-۵.
- سهراب نژاد، علی‌محمد (۱۳۹۷)، «بازتاب اعتماد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در گلستان سعدی»، جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۴: ۶۷-۴۱.
- شارع‌پور، محمود و همکاران (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه انواع اعتماد با اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران»، مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۳: ۵۳-۴۰.
- شریفی، طاهر (۱۳۸۶)، «اعتماد و آموزه‌های دینی»، پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۱۶: ۱۲۹-۱۰۹.

- ضاهر، یعقوب (۱۳۹۶)، گام به گام با امام، ترجمه گروه مترجمان مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- طبرانی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «نقش امام موسی صدر در لبنان و ارتقاء جایگاه شیعیان»، ره آورد سیاسی، شماره ۲۸ و ۲۹: ۲۶-۳.
- عبدالرحمانی، رضا (۱۳۸۴)، «تأثیر اعتماد اجتماعی به عنوان نشانگان سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمان پلیس»، دانش/انتظامی، شماره ۲۶: ۱۴۹-۱۱۶.
- عبدلی، معصومه و همکاران (۱۳۹۴)، «مبنای نظری و روش‌های عملی امام موسی صدر در ایجاد وحدت ملی»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره ۴: ۵۸۶-۵۷۳.
- علامی، ذوالفقار و رکابدار، لیلا (۱۳۹۷)، «ماهیت و جایگاه انواع اعتماد اجتماعی در گرشاسب نامه اسدی طوسی»، جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۲: ۱۰۰-۸۳.
- فزاتی، عبدالوهاب و طاهری سیدمه‌دی (۱۳۸۷)، «نقش امام موسی صدر در ارتقای جایگاه شیعیان لبنان، شیعه‌شناسی»، شماره ۲۴: ۲۳۸-۲۱۳.
- فرخی، میثم و دیده‌خانی، نرگس (۱۳۹۷)، «الگوی تبلیغی امام موسی صدر در تعامل با شیعیان لبنان»، اسلام و مطالعات اجتماعی، شماره ۲: ۸۴-۵۸.
- فیلد، جان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، ترجمه احمدرضا اصغرپور، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- قاسمی، وحید و صادقی ده چشمه، ستار (۱۳۸۸)، «اعتماد اجتماعی و توسعه»، مجموعه مقالات همایش ملی فرهنگ و توسعه در منطقه مرکزی ایران، دانشگاه کاشان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: الإسلامیه.
- کمالیان، محسن و رنجبر کرمانی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، عزت شیعه، قم: صحیفه خرد.
- محمدزاده، زهرا و همکاران (۱۳۹۲)، «اثر اعتمادشناختی و عاطفی به رهبر بر هویت سازمانی»، فصلنامه علمی پژوهشی ره‌یافتی‌نودر مدیریت آموزشی، شماره ۳: ۲۰-۱.
- ملکی، امیر و امیدوار، پوران (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در ایران»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، شماره ۳: ۱۵۶-۱۳۳.
- وفایی مغانی، جواد و شمالی، محمدعلی (۱۳۹۲)، «تبیین و تحلیل مبانی معرفتی امام موسی صدر در تقریب مسلمانان و مسیحیان»، معرفت ادیان، شماره ۱: ۱۲۸-۱۱۱.